

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# روش تفسیری آیت الله طالقانی

محمدعلی کوشا

**یکم** - پیش از ورود به اصل مطلب باید توضیحی هرچند کوتاه درباره «روش» یا «روشمندی» و «تفسیر» داشته باشیم.

روش یا شیوه کار، عبارت است از طرح و یا چارچوبی که یک فرد در محدوده کارش بدان ملتزم است؛ به عبارت دیگر ساختار کاری یا نقشه و برنامه‌ای که یک شخص در آن، شکل کار و برنامه را بر اساس سلیقه خویش طراحی نموده و به نمایش می‌گذارد.

با توجه به تعریف فوق، ریشه و روش هرکاری را باید در ساختار فکری، اعتقادی؛ بلکه، منش، دانش و شخصیت صاحب کار آن اثر جستجو کرد.

روشمندی کار یک صاحب اثر، هرگز نمی‌تواند امری جدای از منش، بینش و دانش صاحب آن باشد. اینجاست که باید روشمندی آیت‌الله طالقانی را در نگارش «پرتوی از قرآن» مورد توجه قرار دهیم.

نخست اینکه تفاوت و مرز ماهیت روشی از روش دیگر را باید در مقام مقایسه با پدیده‌های دیگر معلوم بداریم؛ وگرنه بدون مقایسه، چیزی از غیر خود، شناخته نمی‌شود.

در مرحله نخست باید به ژرفای کار یا اثر در بُعد محتوایی آن نگریم که در این مرحله علاوه بر ساختار ظاهری، جوهره کار نیز مورد ارزیابی واقع می‌شود. به گمان نگارنده شکل کار و عمق کار یک اثر، به نوعی معرف نوع روش آن نیز خواهد بود.

اثری که آیت‌الله طالقانی پدید آورده‌اند، در واقع ساختار اندیشه و جلوه‌های گوناگون مسائل عقیدتی، فردی، اجتماعی و به‌ویژه سیاسی خویش را در آن متجلی ساخته‌اند. بنابراین «پرتوی از قرآن» آینه تمام‌نمای آن روح آرام و در عین حال مسئولیت‌آفرین و پر جنب‌وجوش است.

**دوم** - تفسیر از ماده «فَسَّرَ» به معنی اظهار معنایی است که با اندیشه و تدبیر حاصل شده است. به همین جهت نتیجه آزمایش را «تَفْسِیرَه» می‌گویند. واژه تفسیر برای مبالغه است، یعنی بسیار واضح نمودن و آشکار کردن.

«ولا يأتونك بمثلٍ إلا جئناك بالحق و أحسنَ تفسيراً؛ و هیچ مثلی [به عنوان خرده گیری] برای تو نیاورند جز آنکه ما [پاسخ] حق و بهترین تفسیر را برای تو می آوریم» (فرقان، ۳۳).

«تفسیر» گاهی به تبیین مفردات الفاظ و معانی غریب آیات نیز اطلاق می شود. طبری در تفسیرش، آن را مرادف «تأویل» بلکه آن دو را یکی دانسته است، لذا نام کتاب بزرگ تفسیرش را «جامع البیان فی تأویل آی القرآن» نهاده است!

می توان گفت: «تفسیر» همان کشف و آشکار ساختن معنای معقول همراه با کوشش و اجتهاد است (التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۷-۱۸).

و ممکن است بگوییم: تفسیر، بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدالیل آنهاست (المیزان، ج ۱، ص ۷).

یا اینکه بگوییم: تفسیر، روشن ساختن مراد و مقصود خدای تعالی از قرآن کریم است (البیان، ص ۳۹۷).

به هر حال تفسیر، یک علم خاص تلقی می شود که در آن از یک سلسله مباحث و مسائل نظری بر اساس مبادی تصویری و تصدیقی و مبانی و اصول و قواعد، بحث می شود.

### سوم - شناخت قرآن و ضرورت تفسیر:

در این مقام نکات ذیل را باید مورد توجه قرار داد:

الف- قرآن کتابی آسمانی با ساختار منحصر به فرد خود است.

ب- این اثر بی نظیر، با زبان فصیح و بلیغ عربی است.

ج- مطالب آن در عین گستردگی در موضوع، بسیار موجز، فشرده و کلی است.

د- شماری از آیات آن، در بستر زمانی و مکانی خود و به مناسبت خاصی نازل شده است.

ه- در این اثر آسمانی، مطالبی به صورت عام و خاص؛ مطلق و مقید؛ مجمل و مبین؛ ناسخ و منسوخ وجود دارد که تحلیل و بررسی آن‌ها خودبه‌خود، بخشی از مباحث تفسیری را تشکیل می‌دهد.

و- تبیین و کشف جزئیات آن به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) واگذار شده است.

ز- با توجه به نزول تدریجی قرآن در طول ۲۳ سال دوران نبوت، و رخدادهایی که زمینه‌ساز نزول شماری از آیات بوده، بحث و بررسی شماری از احکام آن مانند جهاد و دیگر مسائل مربوط به آن، نیازمند تحلیل و بررسی وقایع خاصی است که به نوعی بخشی از مباحث مربوط به تفسیر را تشکیل می‌دهد.

با توجه به نکات فوق، هرگونه تلاش و کوشش در جهت تبیین هر یک از آن‌ها به ناچار سر از فن تفسیر و مسائل مربوط به آن را در می‌آورد. بنابراین برای فهم موضوعات قرآن، راهی جز تشریح و توضیح لازم برای فهم کامل آن وجود ندارد و این همان علم و یا فن تفسیر است.

از سوی دیگر قرآن کریم مشتمل بر معانی دقیق و مفاهیم ظریف و تعالیم و حکمت‌هایی والا دربارهٔ خلقت و اسرار هستی است که تودهٔ مردم در عصر رسالت از درک برخی از دقایق آن ناتوان بودند. از جملهٔ این موارد، مسائل مربوط به صفات جمال و جلال الهی، شناخت وجود انسان، اسرار خلقت، میزان دخالت بشر در زندگی، هدف آفرینش و مبدأ و معاد است که رؤس مطالب این‌ها در قرآن کریم به صورت فشرده و کوتاه، در قالب الفاظ و تعابیر کنایی و استعاری و مجازی مطرح گردیده که شرح و بیان آن‌ها به بررسی، تدبّر، دقت نظر و قدرت تفکر بالایی نیازمند است.

علاوه بر این، در قرآن کریم، به حوادث تاریخی و سرگذشت امت‌های پیشین اشاراتی رفته است و گاه عادات و رسوم جاهلیت مردمان معاصر نزول قرآن، از قبیل مسئلهٔ «نسیء» (توبه، ۳۷) که بر اساس آن، ماه‌های حرام را تغییر می‌دادند و همچنین از ورود به خانه‌ها از راه پشت‌بام و یا پریدن روی دیوار (بقره، ۱۸۹) و مانند آن یاد شده است که تمام این‌ها نیازمند

شرح و بیان است. همچنین گاه در قرآن کریم، الفاظ غریب و ناآشنایی مانند: بحیره، سائبه، وصیله و حام (مائده، ۱۰۳) آمده که محتاج توضیح است.

روشن است که بخشی از قرآن به توضیح الفاظ کوتاه و بیان معنای آنها و بخشی دیگر به ترجیح احتمالی بر معنای دیگر مربوط می‌شود.

بنابراین، تفسیر، والاترین علم و فنی است که می‌توان به آن پرداخته شود، زیرا شرف یک علم به سبب شرافت موضوع آن یا اهمیت غرض و هدف آن است. و علم تفسیر از هر سه جهت (موضوع، غرض و اهمیت) از بالاترین ارزش برخوردار است؛ زیرا موضوع آن، کلام خدا و غرض آن، تمسک به عروة الوثقی حق و دستیابی به سعادت حقیقی است و اهمیت آن نیز چنان است که تحصیل هر کمال دینی، دنیوی و اخروی به آگاهی از کتاب الهی متوقف است (دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۲۰).

**چهارم** - از جمله ویژگی‌های تفسیر پرتوی از قرآن، تطبیقی بودن آن است. مراد از تفسیر تطبیقی این است که مفسّر، تفسیری که از یک آیه یا چند آیه مشابه را به دست می‌دهد، آن را با نظرات دیگران تطبیق دهد و آراء آنان را نیز لحاظ نماید، یا برداشتها و تفسیری که از یک موضوع قرآنی ارائه می‌دهد، آن را در همان موضوع با آنچه که در دیگر کتب آسمانی مانند تورات و انجیل آمده و یا با نظرهای دانشمندانی که صاحب رأی و نظرند، تطبیق نماید. فایده عمده تفسیر تطبیقی، توسعه در نگرش خواننده تفسیر و خارج نمودن او از هرگونه حصرگرایی است. و می‌توان گفت این روش، ذهن خواننده کنجکاو را قوت بخشیده و او را به فعالیت بیشتر برای دریافت عمیق متن آماده‌تر می‌سازد و بدین وسیله، کم و بیش از جمود و تحجر - که عده‌ای بدان مبتلایند - می‌کاهد و تا حد فراوانی از تعصب‌های خشک و بی‌مورد جلوگیری می‌کند. علاوه بر این‌ها، چنین روشی زمینه‌های تقریب میان مذاهب اسلامی در حوزه‌های گوناگون را فراهم می‌آورد، و به محوریت قرآن کریم در همه مسائل، تحکیم می‌بخشد.

**پنجم** - ویژگی دیگر این تفسیر، توجه به علوم تجربی، طبیعی و فنی، اما در عین حال مقهور نشدن در مقابل آنها در تفسیر آیات است. آیت‌الله طالقانی در عین توجه به علوم روز و نقل

اقوال دیگران به طور فشرده، اما علم‌زده نیست! (به توضیحات ایشان در زمینه تکامل به صفحه ۳۵ تا ۳۹ از جلد اول پرتوی از قرآن بنگرید).

و همچنین درباره مفهوم «هدایت» در جاهای مختلف؛ بهترین و دقیق‌ترین توضیح را با توجه به تنوع اقسام آن ارائه کرده است. برای کسانی که در تفسیر موضوعی کار می‌کنند، مباحث گوناگون و فشرده این تفسیر، می‌تواند منبعی غنی و سرشار از نکته‌ها برای آنان باشد.

اما در زمینه تفسیر آیات الاحکام نیز، این مفسر بزرگ، دقت نظرهای فقیهانه‌ای مطابق با آیات دارد که می‌توان به عنوان نمونه به تفسیر ایشان از آیه ۲۲۲ سوره بقره اشاره کرد.

اما در بُعد تفسیر فلسفی آیات، مشی تفسیری ایشان به شیوه تفسیری صدرالمتألهین ملاصدرا شیرازی بسیار نزدیک است، بلکه در موارد فراوانی روح حاکم بر تفسیر ایشان همان جلوه‌های تفسیر صدرایی است. و می‌دانیم که بنیادی‌ترین اصل فلسفی ملاصدرا یکی «اصالت وجود» و دیگری «حرکت جوهری» است که با استفاده از آثار ابن سینا، محور مباحث فلسفی خود را بر «وجود» استوار کرد و با طرح «اصالت وجود» راه را برای «وحدت تشکیکی» و «وحدت شخصی وجود» هموار کرد و با مفهوم «تشکیک وجود» چگونگی ارتباط خالق با مخلوق را توجیه کرد و معتقد به ارتباط ویژه‌ای بین خدا و عالم شد. تأثیر این نگاه معرفتی بر اندیشه‌های آزاد پس از ملاصدرا بسیار بوده است. و بی‌گمان مرحوم طالقانی یکی از آزاد اندیشان در عرصه‌های گوناگون از جمله در حوزه تفسیر است که با الهام از شیوه صدرایی، مباحث جدیدی در حوزه معرفت‌شناسی در قالب تفسیر دقیق و بدیع برخی از آیات قرآن با استفاده از تفسیر و شرح اصول کافی ملاصدرا به برداشت‌های نوینی دست یازید. و همان‌گونه که صدرا معانی قرآن را به شیوه فلسفی و عرفانی تفسیر می‌کند و قائل به جمع فلسفه اشراق و استدلال مشاء است، دقیقاً همین شیوه در تفسیر پرتوی از قرآن نیز نمایان است. یعنی می‌خواهد عرفان و فلسفه و عقل و دل را به هم پیوند دهد و به همین دلیل در بیشتر موارد اشارات عرشیه و فیوضات ربانیه و نکات بدیعیه عرفانی را مطرح می‌کند، و هر از گاهی از کلید اسرار حکمت‌های قرآنی سخن به میان می‌آورد و همچنین درباره بار معنایی که هر واژه به دوش دارد داد سخن سر

می‌دهد. در این باره تفسیر آیه الکرسی و برخی سوره‌های کوتاه مانند سوره اعلی و سوره طارق و سوره بلد و قدر شاهد این معنا می‌توانند باشند.

### ششم - روش تفسیری آیت‌الله طالقانی

ایشان پس از ترجمه بخشی از آیات در هر سوره، به بیان مفردات و واژگان آیات می‌پردازد، و از همین‌رو در زمینه‌ی واژه‌شناسی، تفسیر پرتوی از قرآن، اثری کم‌نظیر و در برخی جهات، بی‌نظیر است.

ایشان با احاطه‌ای که به علم لغت و اشتقاق دارند، به درستی به کالبد شکافی کلمات آیات می‌پردازند و در ضمن آن، در مواردی نیز مسئله «اشباه و نظایر» را هم مورد توجه قرار می‌دهند. این‌گونه توضیحات، بر جنبه‌ی ادبی این اثر پربار افزوده است و آن را در نگاهی دیگر در ردیف تفاسیر ادبی قرار داده است و همین ذوق بالای ادبی است که در ضمن تفسیر آیات هم بسیاری از لطایف و ظرایف تفسیری را با قلت حجم و کثرت معنا به درستی به خواننده القاء می‌کند.

دو ویژگی برجسته، سرتاسر این اثر ماندگار را پوشش می‌دهد.

**الف - بیان نکات ادبی با توجه به علم صرف، نحو، لغت و اشتقاق.**

**ب - بیان نکات بلاغی با توجه به علم معانی، بیان و بدیع.**

آیت‌الله طالقانی در مرحله‌ی بعد به بیان روح حاکم بر آیات می‌پردازد. در این جهت هم برای کسی که با روح قرآن مانوس و آشنا باشد این اثر را مصداق تفسیر به معنی واقعی کلمه می‌بیند. اگر خوف تطویل در این مقاله نبود نکته‌های ظریف و لطیف تفسیری ایشان را ذیل هر آیه ذکر می‌کردم. ولی از بس که این کتاب فشرده و مفید است، انتخاب آن لطایف و نقل نکته‌پردازی‌ها بخش اعظم این تفسیر را دربرمی‌گیرد، لذا در این مقام با اعتقاد تام و تمام به درستی این اثر ماندگار، خوانندگان را به تأمل، دقت و تأنی بیشتر در مطالعه‌ی آن دعوت می‌کنم.



انصافاً جا دارد که این تفسیر کم‌حجم و پرمعنا را در مراکز آموزشی قرآنی به عنوان متن درسی مورد توجه و تدریس قرار دهند.

این مفسر بزرگ، گاهی برای آنکه مقصود آیه‌ای را به درستی بفهماند، نخست به طرح سؤال یا سؤالاتی در آن دست می‌یازد، و آنگاه که زمینه بحث را تدارک ببیند به توضیح درخور آن می‌پردازد، به عنوان نمونه به طرح این دو سؤال در تفسیر سوره حمد که:

تکرار حمد و صفت رحمت چه اثری دارد؟

«مالک یوم الدین» یعنی چه؟

و آنگاه جواب کاملی که به این دو پرسش داده است، توجه فرمایید. و نیز در تفسیر «ایاک نعبد و ایاک نستعین» جلوه‌های توحید در عبادت و استعانت را بر اذهان خوانندگانش پرتو افکن می‌سازد.

برای کسانی که اهل فن ترجمه و متبحر در تفسیر قرآن‌اند، این تفسیر را شایسته مطالعه به صورت مکرر می‌دانند، و چنان نیست که با یک بار خواندن، خود را از آن بی‌نیاز بدانند.

### هفتم - تفسیر آیت‌الله طالقانی از زبان خودش:

اکنون پس از بیان نکات فوق، ببینیم خود مرحوم طالقانی چگونه تفسیر خویش را معرفی کرده است؟ البته باید یادآور شویم که این اثر از جهت حجم و مقدار، فقط شامل تفسیر چهار جزء آغازین (سوره‌های حمد، بقره، آل عمران و نساء تا آخر آیه ۲۸) و همچنین تمام جزء سی‌ام قرآن تا آخر آن است.

این کتاب، شامل مقدمه‌ای جامع و عالمانه در ۲۲ صفحه است که در آن به صورت فشرده عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته است:

الف - قرآن کریم

ب - نزول آیات و جمع و تدوین بیان و تفسیر آن،

ج- چگونه می‌توان خود را در معرض هدایت قرآن قرارداد؟

د- فهم هدایتی قرآن،

ه- نظر به بعضی احادیث در باره تمسک به قرآن.

در این مقدمه، مؤلف خود شیوه کار خویش را چنین بیان می‌کند:

«نخست چند آیه به ردیف و شماره آورده شده، پس از آن، ترجمه آیات به فارسی تطبیقی آمده به گونه‌ای که از حدود معانی صحیح لغات خارج نباشد.

سپس معانی مترادف و موارد استعمال و ریشه لغات، در موارد لزوم بیان شده تا در ذهن خواننده مجال تفکر بیشتری باز شود.

آنگاه آنچه از متن آیات به طور مستقیم بر ذهن تابیده، بیان می‌شود.

گاهی نیز در موارد مقتضی از احادیث صحیح و نظرهای مفسران استفاده شده است.

سپس پیرامون آیات آنچه به فکر نگارنده رسیده و بر ذهنش پرتو افکنده، منعکس می‌گردد، تا شاید خواننده خود هرچه بیشتر با آموزه‌های هدایتی قرآن آشنا شود.

آنچه نگارش می‌یابد عنوان تفسیر ندارد و به حساب نهایی قرآن نیست، از این رو عنوان و نام «پرتوی از قرآن» را برای آن مناسب‌تر یافتیم.

کسی که بخواهد در این کتاب از آیات مورد بحث بیشتر بهره‌مند شود، اول آیات را با ترجمه آن مورد توجه و تدبر قرار دهد، آنگاه لغات را در نظر گیرد، پس از آن در بحث پیرامون آیات دقت نماید.

این روش را در بیان هدایت قرآن در پیش گرفتم تا شاید برای فارسی‌زبانان، بیشتر چهره قرآن هویدا شود» (پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۱۹-۲۰).

اما جمله بسیار پرمعنا و ظریفی که این مفسر آگاه، ذهن خواننده را به سوی آن معطوف می‌دارد این است:

«این کتاب (قرآن) تنها کتابی است که با ضمیر هر انسانی سر و کار دارد، و ضمیر مبدأً فعال سازمان انسانی است، و می‌تواند در میان تاریکی‌های ماده درون انسانی را برافروزد و چون شب پر ماه و ستاره آن را فروزان گرداند، آنگاه بامداد روشنی از افق باطن پدید آرد، این یگانه وظیفه علمای دین و پرده‌داران آیین است که تا هرچه بیشتر جمال احکام و اسرار و هدایت قرآن را آشکار سازند» (همان، ص ۲۱).

آنگاه در پایان مقدمه خویش در کمال فروتنی چنین می‌نگارد:

«خواننده عزیز، اگر در مطالب این مقدمه و قسمتی از کتاب، اشتباه یا لغزشی یافتید تذکر فرمایید و معذورم بدارید، زیرا در مدتی نگارش یافته که از همه‌جا منقطع بوده و به مدارک دسترسی ندارم و مانند زنده‌ای در میان قبرم. شرح این هجران و این خون جگر/ این زمان بگذار تا وقت دگر. ربیع الأول ۱۳۸۳- مرداد ۱۳۴۲ سید محمود طالقانی» (همان، ص ۲۲).

#### هشتم - نتیجه و سخن پایانی بحث:

از آنچه تاکنون درباره این تفسیر ارجمند گفته شد این نتیجه به دست می‌آید که تفسیر آیت‌الله طالقانی در مجموع تفسیری از نوع «اجتهادی - عصری» است.

تفسیر اجتهادی همان‌گونه که از نامش پیداست، مبتنی بر اجتهاد مفسر است. تفسیر اجتهادی - عصری، هم بر «عقل» استوار است و هم بر «نقل». مراد ما در اینجا از عقل، استفاده از نیروی تفکر و تدبیر و حس تشخیص طبیعی خدادادی و فطری از راه دلیل و برهان است. و مراد از «نقل» توجه به روایات رسیده از امامان معصوم و آراء مفسران از صحابه و تابعین و دیگران است. و البته در تفسیر «پرتوی از قرآن» تکیه بر درایت و تعقل که لازمه تفسیر اجتهادی است، به مراتب بیشتر از تکیه به روایات است.

بهترین دلیل برای تمسک به روش تفسیر اجتهادی، آیاتی است که در آن‌ها دعوت به تفکر و تعقل و تدبیر شده است مانند آیه: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟ آیا در قرآن نیک نمی‌اندیشند یا بر دل‌هایی قفل‌های [خاص] آن‌ها زده شده است؟!» (محمد، ۲۴). که تدبیر عمیق در قرآن، برای فهم دقیق آن، چیزی جز روش اجتهادی را بر نمی‌تابد. مگر نه این است

که خود قرآن می‌فرماید: «کتابٌ أنزلناه إليك مباركٌ ليدبروا آياته وليتذكروا ألوا الباب؛ این کتابی است که به سوی تو نازل کردیم تا در آیات آن نیک بیندیشند و تا خردمندان تذکر یابند» (ص، ۳۸-۳۹). پر واضح است که تدبر در آیات به گونه کامل آن، تنها از راه تفسیر اجتهادی امکان‌پذیر است و می‌توان گفت: آیات نساء، ۸۳؛ بقره، ۱۸۵؛ آل عمران، ۱۸۳؛ نحل، ۱۸۹ به گونه‌ای مؤید جواز تفسیر به شیوه اجتهادی هستند.

**نهم** - نکته پایانی قابل ذکر اینکه تدوین و تنظیم تفسیر پرتوی از قرآن را که در آغاز به صورت دست‌نوشته‌ها و اوراقی پراکنده بوده است، به همت دانشمند فرزانه و مترجم ارجمند نهج‌البلاغه، جناب آقای دکتر محمد مهدی جعفری انجام پذیرفته است. و حتی بخش‌هایی از آیات ترجمه نشده آن را ایشان عهده‌دار شده‌اند. در اخلاص و فروتنی این استاد نامدار همین بس، پس از آنکه چند سال پیش اینجانب نقدی بر ترجمه تفسیر پرتوی از قرآن نوشتم و در همایشی در دانشگاه مفید قم آن را با حضور حاضران و افراد خانواده آیت‌الله طالقانی از جمله سرکار خانم اعظم طالقانی قرائت کردم و مورد توجه هیأت رئیسه از جمله جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید هادی خسروشاهی قرار گرفت، بعداً آقای دکتر جعفری به من فرمودند: «نقد و ایرادی که شما دارید، مربوط به آن بخش از ترجمه آیاتی است که من آن را انجام داده‌ام نه مرحوم استاد آیت‌الله طالقانی».

جناب استاد دکتر جعفری، علاوه بر تحمّل زحمات فراوان گردآوری و ویرایش این اثر نفیس، «فرهنگنامه لغات» این مجموعه تفسیری را بر اساس متن آن، استخراج نموده و در انتهای جلد پایانی آن، چاپ و منتشر ساخته که کاری بس ارجمند و شایسته قدردانی فراوان است.